



تعریف، پیشینه، اهداف و ویژگی‌های مجازات سالب آزادی

پدیدآورنده (ها) : اسفندیاری بیات، حمزه؛ مطهری، یاسین

فقه و اصول :: نشریه فقه، حقوق و علوم جزا :: بهار ۱۳۹۶، شماره ۳ - جلد ۱

صفحات : از ۴۹ تا ۶۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1851918>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مستندات فقهی اصل قانونمندی و قضاومندی در جرم سب‌النبی
- زن و قانون مجازات
- سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی

عناوین مشابه

- تلاش‌های بین‌المللی و قانونگذار کیفری ایران برای تحدید موارد و اعمال مجازات سالب آزادی
- طرز اجرای مجازات حبس و اقدامات تامینی سالب آزادی در سوئد و ایتالیا
- نگرش‌های اخلاقی و اصلاح مدار مجازات سالب آزادی اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان
- نگرش‌های اخلاقی اصلاح مدار مجازات‌های سالب آزادی اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان
- سیاست جنایی تقنینی ایران و مساعی جهانی برای تحدید مجازات سالب آزادی
- نگاهی انتقادی به تعریف دامیه در فقه و قانون مجازات اسلامی با رویکردی هم‌گرایانه با اصل کیفیت قانون
- بررسی تطبیقی آزادی مشروط در حقوق ایران و فرانسه با رویکردی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- سیری در اهداف مجازات و اصل تناسب بین جرم و مجازات
- بررسی پیشینه فقهی مبارزه با مواد مخدر و نقدی بر مجازات اعدام
- افکار عمومی؛ پیشینه و تعریف

تعریف، پیشینه، اهداف و ویژگی‌های مجازات سالب آزادی

حمزه اسفندیاری بیات^۱، یاسین مطهری^۲

^۱ استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

یاسین مطهری

yasin.motahari@yahoo.com

چکیده

در اکثر کشورهای جهان زندان به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاع اجتماعی در مقابل پدیده بزهکاری، به حساب می‌آید. مجازات زندان و حبس به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی در قوانین کیفری پذیرفته شده است. زندان که همواره به عنوان یکی از شیوه‌های پیشگیری از جرم و مجازات مجرمین در طول تاریخ مورد استفاده جوامع بشری واقع شده، تغییر و تحولات بسیاری را تجربه کرده است. در این سیر تاریخی شاهد توسعه روزافزون استفاده از زندان در کشورهای مختلف هستیم. مهم‌ترین دلایلی که توسل به مجازات زندان را توجیه کرده است، بازدارندگی، عبرت‌انگیزی و اصلاح‌کننده بودن زندان است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع تألیفی، کتاب‌ها و مقالات تالیفی و ترجمه‌ای تحلیل و تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی: حبس، بزهکاری، مجازات، ایران.

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی و برای زیستن از لحظه‌ی تولد تا واپسین دم حیات خود ناگزیر به همکاری با هموعان خویش است. زیرا نیازهای گوناگون او را می‌دارد، تا با یاری دیگران موانع و مشکلات خود را از پیش پا بردارد. جمع شدن انسان‌ها و زندگی در کنار یکدیگر، باعث به وجود آمدن قبائل و اجتماعات بشری و شهرها گردیده و با ازدیاد روابط اجتماعی و داد و ستد بین انسان‌ها، بزهکاری در روابط و در کنار هنجارهای اجتماعی و در نقطه‌ی مقابل آن خود را نمایان ساخته است. به همین جهت یکی از دغدغه‌های اساسی بشر جدال با پدیده بزه و بزهکاری بوده است. مروری بر تاریخ قوانین و کیفرها، نشان می‌دهد که انسان‌ها در این زمینه تجربه‌هایی متنوع، گسترده و گاه وحشتناک را پشت سر نهاده‌اند، ولی هنوز به نقطه‌ی اطمینان بخش نرسیده‌اند.

زندان‌ها تاریخچه بسیار دردناک و غم‌انگیزی در دنیا دارد. بدترین جنایتکاران و بهترین انسان‌ها هر دو به زندان افتاده‌اند. بشر از روزگاران قدیم، جایی برای ضبط عناصر شرور و حفظ افراد جامعه از شر آنها اختصاص می‌داده است. و گاهی هم افراد خیرخواه جوامع بشری به فکر اصلاح حال آنها می‌افتاده‌اند.

هر جامعه دارای هنجارهایی است و هر انحرافی که هنجارهای جامعه را در معرض خطر تغییر و تبدیل قرار دهد با واکنش اعضای آن جامعه مواجه خواهد شد. همدار مقامات به حفظ نظم عمومی و واکنش در مقابل جرم به شیوه‌های مختلف انجام می‌پذیرد. حبس به عنوان یکی از واکنش‌ها از قدیم‌الایام مورد توجه بوده است.

عدالت و اخلاق از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین اصول تأثیرگذار بر اعمال مجازات در جوامع بشری است. در اعمال و اجرای زندان افزون بر هدف‌های تنبیهی، امکان دستیابی به هدف‌های اصلاحی نیز وجود دارد.

۱- تعریف زندان

۱-۱- تعریف زندان در لغت

در بیان عامیانه و ادبیات کیفری، استفاده از دو لفظ زندان و حبس برای نشان دادن مفهوم مجازات سالب آزادی مرسوم است. در ادبیات کیفری علاوه بر این دو واژه از لفظ ندامتگاه نیز استفاده می‌شود. در لغت نامه دهخدا در ذیل واژه زندان آمده است. [ز] ا بندیکخانه (آندراج)، (شرفنامه منیری)، محبس، بندیکخانه، قیدخانه، حبس، محبس، جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند. (دهخدا، ص ۴۸۵) در فرهنگ فارسی عمید نیز آمده است زندان به کسر [ز] جایی که محکومان و تبهکاران را در آنجا نگه می‌دارند. محبس، بندیکخانه. (عمید، ۱۳۶۲، ص ۲۱۵)

فیروزآبادی در قاموس در باب حبس می‌گوید: حبس به معنای مانع شدن است و اسم مکان آن محبس بر وزن مفعول می‌باشد، و سجن با کسر سین به معنای محبس است و دارنده آن را سجان یعنی زندانبان گویند. و سجين به معنای زندانی است. (فیروزآبادی، ۱۹۳۸، ص ۸۲۴)

۱-۲- تعریف زندان در اصطلاح

در قرآن کلمات حبس و سجن و مشتقات آن بارها به کار رفته است. از جمله در آیه ۱۰۶ سوره مائده و آیه ۲۹ سوره شعراء. آیت ... منتظری در بیان مفاد و مفهوم دو واژه سجن و حبس بیان می‌دارد. «... مفاد و مفهوم دو واژه سجن و حبس عبارتست از: محدود ساختن کسی و منع از آمد و شد آزاد و تصرفات آزادانه، بنابراین در مکان آن ویژگی خاصی شرط نمی‌باشد. شرط عمده، این است که شخص زندانی از آمد و شد آزاد، ممنوع و مقید باشد ... زندان از نظر شرع، محبوس کردن در یک مکان تنگ نمی‌باشد، بلکه عبارتست از این که؛ شخص بازداشت شود و از تصرف‌های خودخواه و آزادانه ممنوع گردد.» (منتظری، ۱۳۷۱، ص ۲۷)

با عنایت به آنچه گذشت و همچنین با مطالعه و بررسی آثار سایر فقها مشخص می‌گردد که، در شریعت اسلام، مکان در ماهیت زندان از اهمیت خاصی برخوردار نیست و «ماهیت زندان عبارتست از؛ محدودیت زندانی و جلوگیری از تصرفات آزادانه وی، خواه در خانه و خواه در بند باشد.» (سپهری، ۱۳۷۳، ص ۱)

۱-۳- تعریف زندان در آئین نامه سازمان زندان‌ها

در بیان عامیانه واژه زندان به عنوان یک مترادف برای بازداشتگاه به کار می‌رود این در حالی که از نظر قانونی این واژه‌ها به دو نهاد مختلف اختصاص دارند. بازداشتگاه، ویژه نگهداری اشخاصی هستند که در انتظار محاکمه‌اند و یا هنوز احکام به آنها ابلاغ نشده است. در صورتی که زندان‌ها میزبان افرادی هستند که دارای محکومیت قطعی‌اند. آنچه که مهر تأیید به این سخن می‌زند، تفکیکی است که در مواد

۳ و ۴ آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰، در تعریف زندان و بازداشتگاه به عمل آمده است. ماده ۳: «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام های صلاحیتدار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه آموزی، بازپروری و باز سازگاری نگهداری می‌شوند.»

ماده ۴: «بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند.»

در آئین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۷۲، زندان محلی نامیده می‌شد که در آن متهمان و محکومان با قرار یا حکم کتبی مقام قضایی موقتاً یا برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارسایی‌ها و بیماری‌های اجتماعی و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند. «مطالعات انجام شده بر روی متهمین نشان داده است که، این افراد با توجه به مدت نگهداری کوتاه و وجود استرس‌های خاص ورود تا دوران محکومیت و ترس از اینکه ممکن است هر حرف یا عملی از نظر قضایی به ضررشان تمام شود، واقعیت‌های زندگی خویش را می‌پوشانند و از بروز حقایق خودداری می‌نمایند و چشم و گوش بسته، خود را تابع مقررات بازداشتگاه می‌کنند و پس از محکومیت بیشتر واقعیت وجودی خویش را بروز می‌دهند. این واقعیت باعث می‌شود که متهمین قادر به دریافت برنامه‌های اصلاحی که به منظور اصلاح و تربیت مجرمین به کار می‌رود نباشند و این موضوع لزوم تفکیک زندان و بازداشتگاه‌ها را به خوبی مشخص می‌نماید.» (شمس، ۱۳۸۷، ص ۲۵)

۲- پیشینه حبس

۲-۱- پیشینه زندان‌ها در دنیا

در ابتدا زندان محلی بوده که متهم را در آن نگهداری می‌کردند تا در روز دادرسی در دادگاه حاضر نمایند. معمولاً زندان‌ها در زیر قلاع یا قصرها بنا می‌شد و جایی تاریک و ناسالم بود. زندان وضع تأثیر انگیزی داشته و اکثر محکومین در زندان‌ها جان می‌باختند. (سپهری، ۱۳۷۳، ص ۵۵) روحانیون مسیحی اولین کسانی بودند که با ابراز تنفر از خونریزی خواستار تعدیل مجازات شده و مجازات حبس را به جای کیفر اعدام توصیه می‌کردند و برای اصلاح و تربیت زندانیان اقدام و از زندان‌ها بازدید به عمل می‌آوردند. در سال ۸۱۷ میلادی در مجمع روحانیون مسیحی در روم مقررات مربوط به اداره‌ی زندان‌ها تصویب و تأیید شد و مقرر شد که زندان‌ها باید جنبه‌ی اصلاحی و تربیتی داشته باشند و برای نیل به این اهداف زندانیان باید به روش‌های انفرادی نگهداری شده و به آنان کاردستی آموخته شود. اجازه آموختن کتب مذهبی را داشته و روحانیون در زندان‌ها، زندانیان را ملاقات و با نصایح سودمند آنان را به راه راست هدایت کنند. در اجرای تصمیمات مذکور، در همان سال، اولین زندان به روش انفرادی در روم بنا گردید. در سال ۱۲۶۶ میلادی مجمع عمومی روحانیون مسیحی با عنوان اینکه در روش انفرادی زندانی فرصت تأمل و تفکر را دارد و از تنهایی زجر کشیده و از عمل خود نادم و پشیمان می‌شود و با تحمل مشقت روان پاک و منزه می‌گردد، اجرای روش مذکور را تأیید و تغییر نام زندان‌ها را به ندامتگاه تأیید کردند.

در سال ۱۵۵۷ در لندن قصر متروکی به نام بریدول، برای نگهداری ولگردان اختصاص یافت. در این زندان کار الزامی و روش‌های تربیتی در مورد محکومین اجراء می‌گردید. در سال ۱۵۹۹ در آمستردام زندان خاصی جهت آموزش، کار و تربیت مذهبی زندانیان افتتاح شد و از سال ۱۶۰۵ در این زندان روش انفرادی اجراء می‌گردید. در سال ۱۶۲۳ در ناپل زندانی برای تفکیک زنان از مردان، اطفال از بزرگسالان به روش انفرادی بنا شد. در سال ۱۶۶۷ در فلورانس دارالتأدیبی جهت تربیت جوانان تأسیس گردید. در سال ۱۷۰۳ در روم به امر پاپ کلما XI، زندان تربیتی جوانان به روش انفرادی به نام «سن میشل» بنا و این جمله در سر آن حک شده است: تنبیه بزهکاران با مجازات بی‌فایده است، بایستی با روش خاص آنها را تربیت کرد.

در این روش جوانان پسر کمتر از ۲۰ سال و اطفال طرد شده و در خطر، به روش انفرادی و توأم با کار نگهداری می‌شدند. در سال ۱۷۳۵، زندانی جهت نگهداری زنان به روش انفرادی در روم افتتاح شد. در سال ۱۷۸۷ در آمریکا، بنیامین فرانکلین که به اروپا مسافرت کرده و با افکار و عقاید هوارد و بنتام آشنا شده بود، انجمن زندان‌ها را تشکیل و در سال ۱۷۹۰ در فیلا دلفیا (ایالت پنسیلوانیای آمریکا) اولین زندان انفرادی را بنا نمود. در سال ۱۷۹۷ در انگلستان، اولین زندان به روش انفرادی افتتاح شد. اجرای روش انفرادی نتایج تأسف انگیزی داشت و اغلب زندانیان پس از تحمل چند سال مجازات، مبتلا به بیماری‌های روانی شدند. در سال ۱۸۱۵ در زندان Sing، روش ابرنین (رژیم مختلط) اجراء گردید. زندانیان روزها با هم کار می‌کردند و شب‌ها به طور انفرادی نگهداری می‌شدند. در سال ۱۸۱۶ در ایالت نیویورک، زندان ابرن افتتاح و زندانیان روزها دسته جمعی با هم کار می‌کردند. ولی حق حرف زدن با یکدیگر را نداشتند. شب‌ها به طور انفرادی بسر می‌بردند. در فرانسه با تصویب قانون ۶ اکتبر ۱۷۹۱، مجازات حبس در سر ردیف مجازات‌ها قرار گرفت و در قانون جزای ۱۸۱۰ سه نوع زندان با اعمال شاقه در دارالتأدیب و بازداشتگاه پیش بینی شد. ولی عملاً زندانیان و بازداشتنی‌ها در یک زندان نگهداری می‌شدند. در سال ۱۸۴۰، در جزایر استرالیا، روش تدریجی در مورد تبعید شدگان اجراء شد. (سپهری، ۱۳۷۳، ص ۶۱)

۲-۲- پیشینه زندان‌ها در اسلام و ایران

الف- پیشینه زندان‌ها در اسلام

نگاهی به قرآن، سنت و احادیث نشان می‌دهد که اسلام مشروعیت زندان را پذیرفته است. عالمان دین اعم از شیعه و سنی و تعدادی از آیات قرآن، مشروعیت زندان در اسلام را مورد تأکید قرار داده‌اند. در آیه ۳۵ سوره یوسف آمده است: «ثم بدالهم من بعد ماراو الايات لَيْسَ جَنْتَهُ حَتَّىٰ حِينٍ» آنان که دلایل روشن پاکدامنی و عصمت یوسف را دیدند، باز چنین صلاح دانستند که یوسف را چندی زندانی کنند و به حبس فرستادند. و همچنین در آیه ۱۵ سوره نساء چنین مقرر گردید:

«و اللاتی یا تین الفاحشه من نساکم فاستشهدوا علیهن اربعه منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفهن الموت و یجعل الله لهن سبیلاً» زنانی که عمل ناشایست کنند، چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهید. چنانچه شهادت دادند، در این صورت آنان را در خانه نگه دارید تا عمرشان به پایان رسد یا خدا برای آنها راهی پدیدار گرداند. عده ای از فقها که به مشروعیت حبس کردن از نظر قرآن مجید معتقدند و به قسمت آخر آیه ۳۳ از سوره مائده تمسک می‌جویند که می‌فرماید اوینفوا من الارض ... و می‌گویند مراد از نفی در این آیه زندان کردن است. با توجه به روایات درصدر اسلام محل ویژه‌ای برای زندان کردن افراد وجود نداشته و اسیران را یا در مسجد به طور موقت نگه داشته و یا در میان مسلمین که با حکومت وقت همکاری صمیمانه داشتند، تقسیم می‌کردند تا از آنان نگهداری نمایند. «هدف از زندان کردن افراد این بوده که آزادی‌های فرد بزهکار محدود شده و از آمد و شد آزادانه وی جلوگیری شود.» (سپهری، ۱۳۷۳، ص ۸۲) «در واقع قلت عدد محکومین به حبس باعث شد تا نیاز به ساختن ساختمان خاصی برای زندانیان احساس نشود.» (شیرازی، ص ۷۸) حضرت رسول اکرم (ص) همواره زنجیر کردن اسرا و زندانیان را نهی می‌فرمودند و در صدر اسلام زن و مرد زندانی از هم جدا نگهداری می‌شدند. در روایات آمده است که رسول اکرم (ص) افراد را در اتهام خون حبس می‌کردند و در اتهامات دیگر مقداری از روز را حبس می‌کردند. روش مذکور همان روش نیمه آزادی است که امروز در کشورهای مترقی اجرا می‌گردد. «نخستین زندان در اسلام را حضرت علی (ع)، در کوفه از بوربای فارس ساخت و آنجا را نافع نامید ولی چون زندانیان آن را سوراخ کرده و می‌گریختند، حضرت زندانی از خشت ساخت و آن را مخیس نام گذارد.» (لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۷۴۴) از حضرت علی (ع) نقل شده است که آن حضرت به افرادی از زندانیان که قصد حضور در نماز جمعه را داشتند، اجازه می‌داد که به نماز جمعه بروند و بعد از اتمام نماز دوباره به زندان برگردانده می‌شدند. «علت ساخت زندان توسط حضرت علی (ع) وجود هرج و مرج و نابسامانی در اواخر خلافت عثمان بوده است.» (ساکت، ۱۳۶۵، ص ۷۴)

از ویژگی‌های زندان‌های آن زمان تفکیک زندانیان به شرح ذیل بوده است:

۱- زندان خاص بدهکارانی که به علت عدم پرداخت بدهی بازداشت می‌شوند.

۲- زندان مخصوص سارقین.

۳- زندان سایر خطاکاران ... در زمان خلافت امویان زندان‌های متعددی در حجاز عراق و شام احداث شد. شهرت این گونه زندان‌ها به علت شخصیت‌هایی بود که در آن زندان بودند. بدترین زندان دوره‌ی بنی امیه زندان واسط در عراق بود. به طوری که مورخین نقل کرده‌اند: «۱۸۰ هزار نفر زن و مرد در محوطه وسیع بدون سقف و پوشش در آنجا نگهداری می‌شدند. حبس با شکنجه توأم بود و زندانیان را با زنجیرهای آهنی به هم می‌بستند. گاهی خلیفه ای به حکومت می‌رسید و با صدور عفو عمومی زندانیان را آزاد می‌کرد و الا زندان محل مرگ تدریجی بود. به زندانیان داروهای مسهل خوراند می‌شد و به همراه گربه یا میمونی سوار الاغ شده و در خیابان‌ها می‌گرداندند.» (وائلی، ۱۳۶۴، ص ۳۹۴) «فقط در زمان عمر بن عبدالعزیز وضعیت زندان‌ها با الهام از مقررات اسلام تا حدودی بهبود یافت و زندان‌ها زندانیان با توجه به جرم ارتكابی و جنس در زندان‌های مختلفی نگهداری می‌شدند و جهت اداره امور آنها مدیرانی لایق انتخاب شدند.» (میرمحمدی، ۱۳۶۸، ص ۶۰) «در دوران خلافت عباسیان نیز به استثنای مدت خلافت معتضد وضعیت اسفناکی بر زندان‌ها حاکم بود. و هر چند زندانیان با توجه به حبس و جرم ارتكابی تقسیم بندی شده بودند ولی با آنها با نهایت بی‌رحمی و قساوت رفتار می‌شد.» (میرمحمدی، ۱۳۶۸، ص ۶۱)

ب- پیشینه زندان‌ها در ایران

در ایران باستان، پادشاهان و حکمرانان در قلعه‌ها زندانی‌هایی بنا می‌کردند و در آن مخالفین خود را زندان و سپس به وضع فجیعی از بین می‌بردند. حبس جزء مجازات‌ها نبود، بلکه وسیله‌ای برای از بین بردن بی‌سر و صدای اشخاص بلند مرتبتی بود که وجودشان برای کشور و یا پادشاه خطر داشت. قلعه مستحکم در گل گرد (در شرق شوشتر در خوزستان) بود که (گیل گرد یا اندهشن) نام داشت و آن را اندشبرد یا قلعه فراموشی نیز می‌خواندند زیرا نام زندانیان و حتی آن مکان را کسی نیایستی بر زبان می‌راند. پس از فتح ایران توسط مسلمین نیز هر حاکم و صاحب نفوذ در حوزه قدرت خود محلی را برای حبس کردن افراد بنا نموده و متهمین را در آنجا نگهداری می‌کرد. «قدیمی‌ترین زندان بزرگ تهران، زندانی به نام انبار شاهی بود که در زیر نقارخانه ارگ (محل فعلی بانک ملی بازار) قرار داشت و زیرنظر

حاجب الدوله (رئیس تشریفات) اداره می‌شد. فراش‌بانی، رئیس اجرائیات و فراش‌ها، نگهبانان انبار شاهی بودند. غذای زندانیان بسیار ناچیز بود. مردم به عنوان نذرگاهی از سوراخ زندان غذا و خوراکی برای زندانیان می‌انداختند. اصلاح سر و صورت، حمام و نظافت وجود نداشت. زندانیان ده الی چهارده نفری به وسیله زنجیری که دارای طوق‌های متعدد آهنی بود به هم متصل می‌شدند و انتهای زنجیر را از سوراخ درب اطاق زندان به خارج برده و به وسیله میخ آهنی بزرگی مانند افسار به زمین می‌کوبیدند.» (منشداوی، ۱۳۷۷، ص ۶۷)

در سال ۱۲۹۲ شمسی دولت ایران به منظور سر و سامان دادن به وضع نظمیه (شهربانی) کشور عده‌ای مستشار خارجی از کشور سوئد استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظامنامه محابس (آئین نامه زندان‌ها) را تهیه کردند. که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیأت دولت رسید. در این آئین نامه زجر بدنی و زنجیر کردن زندانیان ممنوع گردید. در شهریور ماه سال ۱۳۰۷ شمسی، نظامنامه تشکیلات محابس و توقیف گاه‌ها و وظایف مأمورین و مستخدمین آنها تهیه و به تصویب هیأت وزیران رسید و در همان سال، آئین نامه اجرای حکم اعدام نیز تصویب و به مورد اجرا گذارده شد. در زمان رضاشاه روند زندان سازی به دلایل زیر در کشور سرعت یافت:

- کافی نبودن جا برای عمده مجرمین.

- وضعیت بد زندان‌ها برای زندانیان.

«در سال ۱۳۰۶، نقشه مسیو مارکف برای ساختمان محبس از آنجا که به بهداشت، تفکیک زندانیان از نظر سن و ماهیت جرم توجه داشت، از میان سایر نقشه‌های ترسیم شده انتخاب و تصویب شد.» (حسینی، ص ۴۸)

در سال ۱۳۰۸ شمسی، اولین زندان ایران (زندان قصر)، جهت نگهداری ۶۰۰ نفر محکوم بنا گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ تحت تأثیر علل ناشی از جنگ جهانی دوم بر تعداد بزهکاران ایران افزوده شد و زندان‌ها را با کمبود جا مواجه ساخت. «در ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۴۷ اولین آئین نامه زندان‌ها با توجه به اصول علم زندان‌ها تصویب شد ولی به علت عدم امکانات اکثر مفاد آن اجراء نشد. این آئین نامه در سال ۱۳۵۴ اصلاح شد.» (شیخاوندی، ۱۳۵۰، ص ۴۴)

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تغییرات شگرف اجتماعی و فرهنگی جامعه و جایگزینی ارزش‌های متعالی الهی، در تمام شئون زندگی مردم ایجاب می‌کرد به مقوله‌ی زندان‌ها که در واقع بخشی از زندگی اجتماعی محسوب می‌شد توجه شود. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ اولین تصمیم شورای انقلاب در خصوص زندان‌ها در قالب مصوبه اتخاذ و زندان‌ها به طور کامل از سیستم اجرایی به بدنه دستگاه قضایی متصل و ابتدا به وزارت دادگستری وقت و پس از مدتی با تشکیل شورای عالی قضایی مسئولیت اداره‌ی زندان‌ها به این شورا سپرده شد. «در این سال‌ها وضعیت بهداشتی، زیستی و ... زندان‌ها در حد مطلوبی نبود و به طوری که تفکر پلیس به جای مانده از رژیم طاغوت هنوز در بدنه مدیریت زندان‌ها خودنمایی می‌کرد. اولین آئین نامه اجرایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مشتمل بر ۳۹۶ ماده و ۶۵ تبصره در تاریخ ۶۱/۲/۷۷ به تصویب شورای عالی قضایی رسید.» (میرمحمدی، ۱۳۶۸، ص ۶۰) در پی آن در تاریخ ۶۷/۱۱/۱۹ آئین نامه اجرایی دوم بعد از انقلاب و نخستین آئین نامه پس از تشکیل سازمان زندان‌ها در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۲۹ مورد تصویب دیوان عالی کشور قرار گرفت. در بهمن ماه سال ۶۴ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در ده ماده و دو تبصره از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. پنج سال بعد از تصویب آئین نامه سال ۶۸، و به تاریخ ۷۲/۱/۱۵ آئین نامه اجرایی چهارم سازمان زندان‌ها نیز متضمن ۲۵۴ ماده و ۹۶ تبصره توسط ریاست وقت قوه قضائیه تصویب شد. این آئین نامه نیز ۸ سال بیشتر دوام نیاورد و آئین نامه پنجم شامل ۲۳۲ ماده و ۸۴ تبصره به دستور رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۸۰/۴/۲۶ تصویب و به اجراء در آمد. سرانجام بعد از گذشت ۴ سال از زمان تصویب و اصلاح آخرین آئین نامه سازمان زندان‌ها، آئین نامه اجرایی جدید در اجرای ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۶۴/۱۱/۶ با قالب و محتوایی به نسبت تازه‌ای مشتمل بر ۲۴۷ ماده و ۱۸ تبصره در تاریخ ۸۴/۹/۲۰ مورد تصویب و تأیید رئیس قوه قضائیه قرار گرفت و با اعلام نسخ صریح آئین نامه سابق (مصوب ۸۰/۴/۲۶) و سایر آئین نامه‌های مغایر قدم در وادی اجرا گذاشت.

۳- اهداف کیفر حبس

حبس به هر شکل و با هر هدف یک محدودیت فیزیکی ناخواسته است. محدودیت از پرداختن به حرفه، ممنوعیت از سکونت در محل اقامت خود، دوری از خانواده و سایر ممنوعیت‌های دیگر که مهمترین آن رفت و آمد است، محدودیت‌هایی است که با نگهداری محکوم علیه به طور دائم یا موقت در مکانی به نام زندان به وی تحمیل می‌شود. در این گفتار با بررسی اهداف و ویژگی‌های مجازات‌ها به طور اعم در پی آن هستیم تا مشخص شود آیا حبس نیز از چنین ویژگی‌هایی برخوردار است و آیا با اجرای حبس اهداف مجازات‌ها تأمین می‌شود یا خیر؟

مجازات به معنای عقوبتی است که در قانون برای ارتکاب جرم پیش بینی شده است. به عبارت دیگر مجازات پاداش فعل یا ترک فعل مجرمانه و ضمانت اجرای جلوگیری از نقض قوانین است. یکی از انواع مجازات‌ها، مجازات‌های سالب آزادی است. «آزادی به تعبیر اصل

چهارم اعلامیه حقوق بشر عبارتست از قدرت انجام هر گونه عملی که بر حق دیگری لطمه وارد نیاورد. «قاضی، ۱۳۷۲، ص ۶۵۲) یا مطابق اصل ششم همان اعلامیه، قدرتی است متعلق به انسان تا بتواند آنچه را به دیگران زیان نمی‌رساند، انجام دهد. آزادی، موهبتی است که به موجب آن انسان می‌تواند به هر کجا که می‌خواهد رفت و آمد کند به هر شغلی که مایل است بپردازد. محل سکونت یا اقامتش را برگزیند. خانواده تشکیل دهد و یا با هر کسی که بخواهد مراوده و معاشرت داشته باشد.

«جامعه در قبال مسئولیت‌هایی که با وضع مقررات برای افراد ایجاد می‌کند، مکلف به دفاع از سایر حقوق و آزادی‌های آنان است و چنانچه یکی از افراد جامعه مورد تجاوز قرار گیرد، ملزم به مجازات مجرم است. در طی ادوار زندگی اجتماعی روش‌های گوناگون تنبیهی و کیفری وجود داشته است و تعیین نوع مجازات با قدرت هیأت حاکمه و میزان تأثیری که مردم از وقوع جرم داشته‌اند، مرتبط بوده است.» (دانش، ۱۳۶۸، ص ۵۹) هم اکنون نیز هر جامعه‌ای با توجه به وضع اقتصادی، سیاسی تحولات اجتماعی، آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی، سیاست کیفری خاصی را اتخاذ می‌کند. با این وجود در تعیین مجازات‌ها، همواره اهداف اخلاقی و فایده‌گرا مدنظر بوده است. این قسمت این اهداف بررسی می‌شوند.

۳-۱- هدف اخلاقی (سزادهی)

کارکرد اخلاقی مجازات، مبتنی بر اصل جبران خطاست. یعنی هر کس مرتکب خطایی می‌شود یا زبانی بر جامعه وارد می‌کند، باید آن را جبران کند. «وقوع جرم، موجب خسارت جامعه می‌شود و جامعه در قبال خسارتی که متحمل شده است، از یک سو با تحمیل درد و رنج و خسارت به مقصر و از سوی دیگر، با ترمیم خسارات وارده به دنبال برقراری نوعی تعادل در اجتماع است. همچنین افراد قانون‌گرا، با تبعیت از قانون متحمل زیان‌هایی می‌شوند که بزهکاران از تحمل آن سرباز زده‌اند. از این رو برای اصلاح نبود توازن، لازم است که فرد مجرم متحمل مجازات مناسب شود.» (گرمارودی، ۱۳۸۴، ص ۷۲) در اذهان عموم، عدالت وقتی تحقق می‌یابد که بزهکاران به میزان گناهی که مرتکب شده‌اند به سزای عمل خود برسند. به همین دلیل هنوز هم در قوانین جزایی کشورهای مختلف مجازات‌ها درجات مختلفی دارند. برای خطاهای کوچک، مجازات‌های کوچک و برای جرایم بزرگ مجازات‌های سنگین‌تر پیش‌بینی شده است. ضرورت وجود عنصر اخلاقی برای جرایم سبب شده است که مجازات فرد بدون تقصیر، قابل پذیرش نباشد. جامعه از لحاظ اخلاقی از مجازات شخصی راضی می‌شود که آگاهانه مرتکب جرم شده است و با توجه به همین رسالت اخلاقی و هدف سزادهی مجازات است که اطفال و دیوانگان نسبت به اعمال مجرمانه‌ای که مرتکب می‌شوند مسئول نیستند و مجازات نمی‌شوند. حتی اگر چه ممکن است جامعه را تهدید کنند. در شریعت اسلام نیز همانطور که خدای متعال در قرآن کریم بیان نموده، از اهداف پیامبران اجرای قسط و عدل است. عدل آن چنان اهمیت دارد که یکی از اصول دین مبین اسلام است.

چون ارتکاب جرم نقض قانون است و این قانون مورد قبول عموم می‌باشد، نقض آن باعث خشم افکار عمومی می‌شود. لذا اعمال کیفر باعث می‌شود خشم و نفرت مردم نسبت به مجرم کاسته شود و از افکار پریشان و مضطرب آسوده‌تر شوند و مطمئن‌تر باشند که خطاکاران هیچ‌گاه در صورت تخلف مصون از تیغ برنده قانون نخواهند بود. «محکوم علیه مجازات را به عنوان یک امر دردآور و یک رنج یا اقلأ یک محدودیت و یک مزاحمت محسوس که به لحاظ رفتار نامناسب بر او تحمیل شده است، تلقی و احساس می‌کنند.» (بولک، ۱۳۷۷، ص ۱۵) امروزه عدالت کیفری عبارت است از مقایسه خسارت تحمیلی بر جامعه با خطای اخلاقی مباشر و به دنبال آن تعیین میزان کیفر به عبارت دیگر می‌توان گفت: مجازات‌ها مانند کفاره‌هایی است که به نیاز عدالت‌خواهی که در روحیه هر فرد وجود دارد پاسخ می‌دهد. این نیاز جانشین تشنگی انتقام است که در دوران‌های بدوی اساس مجازات بوده است.

۳-۲- اهداف فایده‌گرا

هدف کیفر فقط اجرای عدالت، تنبیه خطای اخلاقی و ارضای افکار عمومی نیست. علاوه بر این‌ها لازم است که هر مجازات آن طور اجراء شود که برای دیگران درس عبرتی باشد و موجب پیشگیری از وقوع جرم باشد و مجازات باید کمک کند، تا جرمی که به وقوع پیوسته است دیگر بار نه توسط خود مجرم و نه توسط سایر شهروندان تکرار نشود. «برای تحقق پیشگیری خاص باید تلاش کرد تا مجرم از طریق ارعاب یا اصلاح، مجدداً مرتکب جرم نشود. با این وجود چنانچه کوشش‌های انجام شده در این راستا بی‌فایده بود، نهایتاً باید جامعه را از شر این موجود خطرناک راحت کرد.» (صفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱) با توجه به آنچه گذشت وظیفه فایده‌گرای کیفر ممکن است جنبه سه‌گانه به خود گیرد.

الف - ارباب و بازدارندگی

در انتخاب مجازات‌ها توسط مقنن، ارباب همیشه جایگاه ویژه‌ای داشته است. منظور از جنبه اربابی مجازات این است که به وسیله اعمال کیفر نسبت به مجرمین از جرایم آینده پیشگیری شود. از طرفی اشخاص غیر مجرم و آنهایی که قصد ارتکاب جرم را دارند، مرعوب می‌شوند و گرد ارتکاب جرم نمی‌گردند و خود مجرم نیز از ارتکاب مجدد جرم خودداری کند. به این دو اثر باز دارندگی، عام و خاص گفته می‌شود. «پیشگیری عمومی زمانی با ارباب دیگران حاصل می‌شود که اوضاع اجتماعی و فرهنگی تحقق آن را ممکن کند. و عدالت کیفری همواره باید صحت و مشروعیت خود را به اثبات برساند. به عبارت دیگر این اعتقاد که مجازات درباره‌ی عموم مردم یکسان به اجراء در می‌آید و جامعه از خطای هیچ کس بی‌دلیل چشم‌پوشی نخواهد کرد، باید در اذهان مردم رسوخ کند. در غیر این صورت ترس از مجازات نه فقط تأثیری بر اندیشه‌های سوء افراد نخواهد داشت بلکه تبعیض اجتماعی آنان را به درستی اعمال مجرمانه خود قانع خواهد کرد.» (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹)

از آنجا که مجازات منجر به تحمیل درد و رنج بر بزهکار می‌شود، علاوه بر پیشگیری عمومی موجب پیشگیری از رفتار مجرمانه توسط وی می‌شود. این تأثیر حسب وضع روانی و اجتماعی محکوم علیه شدت و ضعف دارد. برای برخی مجرمان رویه شدید مناسب‌تر است. برای برخی دیگر هدف ارباب با یک تهدید ساده به مجازات نیز حاصل است. به همین دلیل علمای حقوق برای اخذ بهترین نتیجه در اجرای مجازات سیاست فردی کردن آن را پیشنهاد می‌دهند. سیاست فردی کردن معنای ایجاد تناسب میان واکنش با بزهکار است. در ادوار مختلف تاریخ برای ارباب مردم بزهکاران را در انظار عمومی مجازات می‌کردند تا مردم درس عبرت گرفته و مرتکب جرم نشوند. البته متخصصین حقوق کیفری معتقدند مجازات‌های شدید همواره اثر مثبت ندارد و گاهی سبب خشونت و بدبینی افراد نسبت به اجتماع می‌شود و مردم را بر علیه هیأت حاکمه تهییج می‌کند. بکاریا در این رابطه می‌گوید: «هدف کیفرها نه رنجاندن و خستن موجودی حساس است و نه زدودن جرمی که قبلاً ارتکاب یافته است. هدف کیفر جز آن نیست که بزهکاران را از زیان رساندن دوباره به شهروندان باز دارد و دیگران را از قدم نهادن به این راه بر حذر دارد. پس باید کیفرها و شیوه‌هایی را در اجراء آن برگزید که کاری‌ترین و پایدارترین اثر را در ذهن مردمان و کمترین اثر درد را بر جسم بزهکار بر جا گذارد.» (بکاریا، ۱۳۶۸، ص ۷۷) برخی از طرفداران اربابی بودن مجازات‌ها معتقدند که مجازات حتی المقدور باید سنگین و شدید باشد تا در اذهان مجرم و دیگران اثر قطعی و لازم به جا گذارد و آنها را از ارتکاب جرم منصرف کند. اما بکاریا که طرفدار سر سخت سیاست ارباب بود، تحقق این سیاست را از طریق اعمال کیفرهای معتدل، لیکن سریع و حتمی، ممکن می‌دانست. از نظر وی «هر چه فاصله بین بزهکاری و مجازات کوتاهتر باشد، تداعی دو مفهوم جرم و مجازات در ذهن انسان قوی‌تر خواهد بود به نحوی که انسان رفته رفته یکی از علت و دیگری را معلول ضروری آن تلقی خواهد کرد.» (بکاریا، ۱۳۶۸، ص ۹۶)

ب - اصلاح و بازپروری بزهکار

«این هدف یعنی اصلاح و بازپروری و پذیرش اجتماعی محکوم علیه، دیر زمانی است که اندیشه انسانی را در دوران مختلف به خود معطوف داشته و این اندیشه‌ها را در افکار افلاطون، ارسطو در یونان باستان، پیامبران الهی، فقها و حقوقدانان و اندیشمندان اسلامی چون غزالی و نیز علمای مسیحی چون سن آگوستین، سن تومادکن می‌توان مشاهده نمود.» (نوروزی، ۱۳۸۲، ص ۱)

به عقیده مارک آنسل، «اصلاح و تربیت مجرمین در جوامع شرقی وظیفه‌ای غیر قابل مسامحه می‌باشد و بر عهده‌ی جامعه قرار دارد و در عین حال، مثل تمام حقوق انسانی، حقی انتسابی برای مجرم محسوب می‌شود که باید مورد احترام و حمایت قرار گیرد.» (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۴۷)

در فرانسه هدف از مجازات زندان چنین تعریف شده است. «هدف از اجرای مجازات‌های سالب آزادی و یا محدود کننده آزادی باید تربیت مجدد محکوم باشد و باید از انتقام جویی روی بر تاخت و به درمان بزهکار روی آورد.» (پیکا، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰) آقای عباس عبدی در این باره بیان می‌دارد: «اصلاح مجرم هدف ثانویه محسوب می‌شود. زیرا این هدف به ندرت محقق می‌شود و مجازات‌های اعمال شده که تأثیر اصلاحی داشته اند استثناء می‌باشند حتی ممکن است بسیاری از مجازات‌ها از جمله حبس جهت حصول این هدف نتیجه معکوس داشته و باعث انحراف بیشتر فرد گردند و به جهت اینکه در مورد دیگر اهداف تأثیر مثبت دارند این مجازات‌ها را بکار می‌برند.» (عبدی، ۱۳۷۱، ص ۵۰)

بنابراین، مجازاتی که در آن برای اصلاح مجرم هدف و اثری نباشد یک عمل لغو و غیرانسانی خواهد بود. زیرا نابودی و طرد افراد از جامعه نمی‌تواند هدف منحصر و ایده آلی برای جریان عدالت باشد و مجازاتی که هدف از آن فقط زجر و شکنجه باشد، مسلماً غیرانسانی است. در قوانین ما نیز به این هدف اشاره شده است از جمله در ماده‌ی ۱۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بازپروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان با هدف بازگشت آنها به زندگی سالم اجتماعی را به عنوان یکی از ارکان

سیاست جنایی معرفی کرده است. و همچنین در ماده ۳ آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴؛ به - هدف باز پروری و باز سازگاری محکومان نیز اشاره شده است.

ج- سلب توان بزهکاری (طرد اجتماعی)

از زمان های گذشته تا دوران معاصر، در همه ی نظام های حقوقی شاهد وجود مجازات های طرد کننده بوده ایم. این نوع مجازات ها به ویژه در دوران کهن جاری بوده اند. زیرا اثر ارباب انگیزی عمومی و آسوده کردن جامعه از شریک عنصر مزاحم را توأمان دارا هستند. مجازات طرد کننده، در ازای جرایمی به کار برده می شود که شدید باشد و تحمیل ضمانت اجرای شدید، به منظور پاسداری از نظم عمومی ضروری به نظر می رسد. «هر اندازه بزهکاران در محدودیت قرار گیرند به همان اندازه نیز از امکان ارتکاب جرم توسط آنان کاسته می شود.» (غلامی، ۱۳۸۲، ص ۵۸)

«کیفر سالب آزادی نیز اصولاً از نظر قانونگذارانی که این مجازات را پیش بینی می کند با هدف اساسی طرد بزهکار که اغلب درباره - ی مجازات های طولانی مدت صادق است اعمال می شود.» طرد اجتماعی و دور نگهداشتن مجرم از جامعه که از اهداف کیفر سالب آزادی می باشد، در واقع رهایی و دور نگهداشتن جامعه از شر مجرمین به طور موقت یا دائم می باشد. اگر چه بر مبنای مطالعات روانشناختی و جامعه شناسی، نقش طرد اجتماعی، جنبه های اصلاحی و تربیتی کیفر سالب آزادی را تحت الشعاع قرار داده است و مانع حصول آن می شود اما از آنجایی که این کیفر واسط کیفر اعدام و مجازات نقدی در حقوق عرفی و اعدام و کیفر شلاق در حقوق اسلامی می باشد، اولاً جایگاه متنابهی در میان کیفرها داشته و ثانیاً می توان آن را به عنوان آخرین حربه ی کیفری مورد استفاده قرار داد. بدین ترتیب نقش طرد اجتماعی کیفر سالب آزادی را باید از جنبه های سزادهی و مکافات آن دانست که در نوع حبس ابد به حد اعلا ی خود می رسد.

این هدف (طرد اجتماعی) زمانی در اولویت قرار می گیرد که کوشش های انجام شده برای اصلاح بزهکار بی ثمر باشد. در چنین موردی رسالت فایده گرای کیفر از طریق حذف مجرم به اجراء در می آید. و چنین هدفی به وضوح با اجرای مجازات مرگ حاصل می شود. مجازات هایی همچون تبعید و اخراج از جامعه و حبس ابد نیز با همین هدف اعمال می شوند.

آنچه تاکنون بیان شد؛ اهداف مجازات ها به طور کلی بود هر چند در خلال بیان این ویژگی ها اشاراتی به ویژگی های مجازات سالب آزادی نیز شد، اما در خصوص این مجازات و اهداف آن به صورت دقیق نیز باید گفت: بازدارندگی یکی از اهداف مجازات هاست که این هدف در مجازات سالب آزادی نیز یکی از مهم ترین اهداف می باشد. بی تردید نقش بازدارندگی مجازات سالب آزادی با آگاهی دادن قانونگذار به افراد جامعه نسبت به اعمال این واکنش در مقابل اعمال بزهکارانه آنها، ایجاد بیم و هراس در آنان و نیز هشدار به بزهکار و سایرین از طریق اعمال این مجازات صورت می گیرد. برای تحقق این هدف، باید طبق اصل قانون بدون جرم و مجازات، جرایم و مجازات آنها از قبل در قانون تعیین شوند که در این صورت امکان مقایسه بین سود اجتماعی ناشی از جرم و رنج حاصل از مجازات در صورت ارتکاب جرم به وجود می آید. از نظر برخی مانند بنتام، بهترین و مهمترین وسیله رسیدن به هدف ارباب (اعم از فردی و جمعی) مجازات حبس است. «آنچه که مشخص است این که، متأسفانه در حال حاضر با توجه به معایبی که زندان ها دارند، نقش بازدارنده ی حبس کمتر شده است. یکی از مواردی که می تواند مؤید این ادعا باشد این است که با وجود اعمال مجازات زندان صرف نظر از سایر دلایل هر ساله بر میزان بزه ها، بزهکاران و زندانیان کشورها افزوده شده است. نرخ بالای تکرار کنندگان جرم در میان جمعیت زندان ها، نیز حاکی از عدم موفقیت زندان در ارباب فردی است. در ژاپن و اسپانیا ۳۵ درصد زندانیان به زندان باز می گردند. در آمریکا ۶۵ درصد محکومان مرتکب تکرار جرم می شوند.» با توجه به معایب زندان که می تواند مانع جدی در امر پیشگیری ایجاد کند، در بند «ن» ماده ی ۱۸ آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴، برنامه ریزی برای مراقبت بعد از خروج را از وظایف سازمان زندان ها قرار داده است تا زندانی پس از خروج از زندان مجدداً مرتکب جرم نشود. اصلاح و بازپروری نیز از مهمترین اهداف مجازات سالب آزادی محسوب می شود. جوامع دموکراتیک مدعی آن هستند که هدف از سلب آزادی، اصلاح بزهکاران است. با اعتراضاتی که از قرون هفده و هجده میلادی به بعد نسبت به وضع بد زندان ها صورت گرفت، طرح انسانی کردن مجازات سالب آزادی و مداوای زندانیان، توسط دانشمندانی چون جان هوارد، شکل جدی تری به خود گرفت. با ظهور مکاتبی چون مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی جدید، این تفکر در نظام های مختلف رسوخ کرد که مجازات های مختلف از جمله حبس را باید به گونه ای اجراء کرد که مجرمین بر بدی اعمال خود پی ببرند و از طرفی اصلاح، تربیت و بازپروری، آنان را برای زندگی مجدد و سازگاری اجتماعی آماده سازند. براساس همین طرز فکر است که هم اکنون زندان ها صرفاً برای تنبیه و عقوبت مجرمین ساخته نمی شوند. «با اعطای کارکرد و رسالت اصلاحی - درمانی به کیفر سالب آزادی، زندان از محل پارکینگ انسان ها به محل بازپروری آنان تبدیل می شود تا بتوانیم از تکرار جرم ناشی از اقامت صرف در زندان و تأثیرگذاری خرده فرهنگ خاص آن بر زندانیان پیشگیری کرد.»

معاهدات بین المللی همچون قواعد حداقل لازم الرعایه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۹۵ و میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده و با امضای دولت ایران در سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس وقت نیز رسید مقرراتی را برای انسانی کردن مجازات سالب آزادی و تأمین اهداف اصلاحی و مداوای محکومان تدوین کردند. آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۸۴/۹/۲۰ نیز، تضمین هدف‌های اصلاحی محکومیت حبس را متکفل شده است. هر چند پیگیری هدف اصلاح و درمان واجد ارزش است، اما زندان به لحاظ قیود و محدودیت‌هایی که به اقتضای ماهیتش برای محکوم ایجاد می‌کند، اقدامات اصلاحی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و حتی ممکن است به اختلال شخصیت فرد منجر شود. از قرن نوزدهم به بعد، کارکرد اصلاحی بحث‌های فراوانی را پیرامون امکان درمان مؤثر یا اصلاح در یک محیط اجباری برانگیخته است. اخیراً معلوم شده است که زندانیان، عمدتاً افرادی هستند که سطح تحصیلات پایینی دارند که با مشکلات متعدد اجتماعی - اقتصادی و فردی مواجه‌اند و اقسام گوناگونی از اعتیاد دارند. بنابراین باید برای اصلاح زندانیان به این موارد نیز توجه شود. علاوه بر موارد ذکر شده یکی از اهداف مجازات زندان دور کردن بزهکار از جامعه و تأمین امنیت اجتماع و شهروندان است. دست کم در دوره‌ای که یک زندانی در زندان بسر می‌برد، قادر نیست بر افرادی که در خارج از زندان هستند آسیبی برساند. در این خصوص باید گفت حتی اگر تلاش برای بازپروری بزهکار با شکست مواجه شده باشد می‌توان با سلب دائم آزادی از وی جامعه را از گزند او حفظ کرد. بدین ترتیب مشاهده می‌شود آخرین کارکرد مجازات‌ها، یعنی سلب توان بزهکاری نیز در مجازات حبس وجود دارد.

۴- ویژگی‌های کیفر حبس

ویژگی مجازات‌ها، ناشی از اهداف آنهاست و بر حسب تأکید مقنن بر اهداف خاص مجازات‌ها اهداف مختلفی خواهند داشت. کیفر سلب آزادی نیز دارای ویژگی‌ها و خصوصیتی است که استفاده از آن به عنوان مجازات را توجیه می‌کند. ولی هر مجازات ماهیتاً رنج آور، رسوا کننده، معین و قطعی خواهد بود.

۴-۱- رنج آوری

«مجازات‌ها، ذاتاً آزار دهنده و آسیب رساننده هستند. خصوصیت آزار دهنده مجازات، ناشی از هدف سزادهی آن است. مجازات عذاب و دردی است که بزهکار باید آن را تحمل کند. زیرا خود به دیگری یا دیگران این درد و ناراحتی را تحمیل کرده است و در یک تناسب به ظاهر منطقی، جبران رنجی که بر سر کسی وارد آمده با رنجی که تحمل می‌شود امکان پذیر می‌شود. اثر این برابری را در قوانینی که مقابله به مثل می‌کنند و به اصل چشم در مقابل چشم و دندان در مقابل دندان اعتقاد دارند به روشنی می‌توان دید. در آن دست از قوانین هم که، محدوده‌ی مقابله به مثل را دقیقاً مشخص نمی‌کنند، بلکه به دنبال یک تناسب علمی هستند، این اندیشه که به آزادی وارد شده است باید پاداشی درخور جرم داده شود هرگز نفی نشده است.» (نوربها، ۱۳۸۵، ص ۳۹۲) تحمل رنج و سختی ناشی از مجازات بر مجرم، توسط اندیشمندی که به جنبه‌های دینی توجهی نداشته‌اند و بر ملاحظات علمی تأکید می‌ورزند، نیز مورد تأیید قرار گرفته است. به نظر بکاریا «هدف، کیفر رساندن نیست ولی کیفر در صورتی دارای تأثیر مطلوب خواهد بود که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرایم به دست می‌آید.»

«ژرمی بنتام براساس اصل حساب‌گری عجین بودن با رنج و زیان را تأمین کننده هدف بازدارندگی می‌داند و کیفر را متضمن درد و رنج تلقی می‌کند. رنج واقعی یا باطنی که بر بزهکار تحمیل می‌شود، برای هر بزهکار با بزهکار دیگر متفاوت است. وی معتقد است که این رنج ظاهری است که باید به آن اهمیت داده شود. زیرا افراد را از ارتکاب بزه باز می‌دارد.» (پرادل، ۱۳۷۳، ص ۶۲) آزادی انسان‌ها تا جایی که به آزادی دیگران خدشه وارد نکند محترم شمرده می‌شود. با سلب آزادی از فردی که مقررات اجتماعی را نقض کرده و مرتکب جرمی شده، او از تبعات آزادی محروم می‌شود و بنابراین، سلب آزادی برای وی آزار دهنده خواهد بود. «حقوقدانان و جرم‌شناسان گذشته نیز به دلیل همین خصوصیت مجازات سالب آزادی از زندان تحت عنوان ندامتگاه یاد می‌کردند، زیرا در ندامتگاه روان مجرم دچار رنج و آزار می‌شود و با ریاضت و تحمل سختی پاک و به انسانی اخلاقی و منزّه تبدیل می‌شود.» (صانعی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۵)

۴-۲- رسوا کنندگی

جامعه در قبال جرم ارتکاب یافته، آسیب دیده است. لذا آسیب زندگان نباید مصون از تحقیر باشند. این تحقیر پاسخ بی‌توجهی به مقرراتی است که جامعه به آنها احترام می‌گذارد. اجرای مجازات محکوم علیه را در میان مردم انگشت نما می‌کند. در گذشته فلسفه‌ی مجازات‌های تردیلی این بود که مردم از بیم از دست دادن آبرو مرتکب جرم نشوند. البته رسوا کنندگی صفت مجازات خاصی نیست و همه کیفرها کم و بیش دارای این ویژگی هستند ولی رسوایی محکوم علیه از اجرای مجازات بستگی به قضاوت مردم در باره‌ی اعمال وی دارد.

هر چه زشتی اعمال بزهکار نزد مردم بیشتر باشد، رسوایی او بیشتر است. عده زیادی از مجرمان بالقوه از ترس اینکه آبرو و حیثیت خود را از دست بدهند مرتکب جرم نمی‌شوند و شمار زیادی از مردم پس از مشاهده‌ی رسوایی مجرم، در ارتکاب جرم تردید خواهند کرد. اما رسوا کنندگی مجازات نباید تا حدی باشد که مانع اصلاح مجرم شود. عموماً گفته می‌شود که مجرم باید دین خود را به جامعه ادا کند و در این شرایط بعد از اجرای مجازات، دمه او باید بری شود. مانند بدهکاری که بدهی خود را پرداخته است. ولی وضع به این منوال نیست. «داغ ننگی که بر پیشانی بزهکار نقش بسته است، بازگشت او را به جامعه به خطر می‌اندازد.» (گاستون، ۱۳۷۷، ص ۶۶) گرفتاری بسیاری از زندانیان، پس از پایان محکومیت، یافتن موقعیت اجتماعی جدید و بازیافتن آبروی از دست رفته‌ی خویش است. مردم از معاشرت با مجرم خودداری می‌کنند و بدتر از آن حاضر به سپردن کاری به او نخواهد بود، در نتیجه وی از داشتن مزایای زندگی عادی محروم می‌شود و غالباً به زندگی مجرمانه باز می‌گردد. «در حقیقت بزهکار با نوعی واکنش کمانه‌ای اجتماع که ناشی از کیفر حبس و بر چسب زنی مجرمانه در قالب محکومیت است، مواجه می‌شود و بر چسب زندانی تلاش‌های انجام شده در مورد اصلاح مجرم را تحت الشعاع قرار می‌دهد.» از این رو ویژگی رسوا کنندگی مجازات نباید آن چنان قوی باشد که بازسازی بزهکار را تهدید کند. ژرمی بنتام به این خصیصه توجه کامل داشت و برای محکومین به حبس دو نوع زندان را پیشنهاد کرده بود. ۱- حبس دائم که برای مجرمین خطرناک است و باید زندان در مرکز شهر با دیوارهای بلند و سیاه باشد و ۲- حبس موقت که زندانیان بتوانند از همه طرف زندان را رؤیت کنند و ملاقات برای عموم نیز آزاد باشد. (پرادل، ۱۳۷۳، ص ۶۳)

۳-۴- معین بودن

برای دستیابی به هدف ارباب و سزادهی، مجازات‌ها، باید معین باشند. مشخص بودن مجازات‌ها موجب می‌شود که بزهکاران بالقوه به عواقب رفتار سوء خود بیندیشند. از سوی دیگر چنانچه با وقوف کامل بر میزان کیفر مرتکب مجرم شوند، واکنش جامعه را نوعی ظلم و اجحاف نسبت به خود تلقی خواهند کرد. بلکه آن را نتیجه‌ی خسارتی می‌دانند که در نتیجه‌ی جرم آنان بر پیکر اجتماع وارد آمده است. در حالی که اگر جامعه آنها را به غیر از میزان مشخص کیفر کند در افراد نوعی احساس مظلوم نمایی ایجاد می‌شود که ممکن است آنها را برای انتقام به سمت ارتکاب جرم سوق دهد. خصیصه مشخص بودن مجازات از اصل قانون بودن جرایم و مجازات‌ها ناشی می‌شود. از آنجا که قانونگذار قادر نیست در هر دعوای کیفری میزان خسارت وارده بر جامعه و میزان خطای اخلاقی بزهکار را بسنجد تا بر اساس آن به تعیین دقیق نوع و میزان مجازات اقدام کند، به قاضی اختیار داده است که در هر دعوا با توجه به موارد مذکور حکم به مجازات معینی صادر کند. در قوانین کشور ما، مکانیسم‌هایی چون عفو و آزادی مشروط تا حدی وصف معین بودن مجازات‌ها را تعدیل می‌کند.

۴-۴- قطعیت

«این ویژگی نیز وجه تمایز مجازات‌ها از اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد. اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به اشخاصی که در جامعه حالت خطرناک دارند، اعمال می‌شود و از آنجایی که جنبه‌ی درمانی دارند قابل تغییر می‌باشند ولی حکم محکومیت به مجازات پس از آنکه به مرحله‌ی نهایی رسید و راهی برای تجدیدنظر در آن وجود نداشت به صورت قطعی در می‌آید و قابل تبدیل و تعویض نیست.» (قاسمی، ۱۳۷۴، ص ۳۰)

به عبارت دیگر؛ حکم محکومیت اعتبار قضیه محکوم بها پیدا می‌کند و جز در بعضی موارد با گذشتن مهلت‌های قانونی قطعی شده و قابل تغییر نیست. این محکومیت در سجل قضایی محکوم علیه ثبت می‌شود و موجب برخی محرومیت‌ها و عدم اهلیت‌ها می‌شود. این ویژگی مجازات‌ها در خصوص مجازات حبس نیز وجود دارد. این ویژگی موجب تأمین هدف پیشگیری عام و خاص در ارتکاب جرم است. در نظر اکثر حقوقدانان درجه وخامت و شدت مجازات، سبب جلوگیری از ارتکاب بزه نمی‌شود و به همین خاطر امروزه با کیفرهای شدید مثل اعدام، مخالفت شده است. بلکه اجرای حتمی و قطعی مجازات‌ها، در جهت پیشگیری تأثیری به سزا خواهد داشت. حتمیت مجازات نشانگر این است که چنانچه فردی مرتکب جرم شود، ارتکاب جرم توسط وی حتماً منجر به مجازات او خواهد شد. «هر چه درجه قطعی بودن مجازات‌ها بیشتر باشد، امنیت موجود در جامعه نیز افزایش خواهد یافت و در همین راستا چنانچه بتوان درجه قطعی بودن مجازات را افزایش داد، می‌توان به همان نسبت از میزان آن کاست.» (قاسمی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲)

نتیجه گیری

باید بر این باور بود که زندان ها با ویژگی هایی که دارند، هیچ گاه نمی توانند اهدافی که برای رسیدن به آنها تأسیس شده است را به طور کامل برآورده سازند. بدین جهت باید به زندان به عنوان یک بد ضروری نگریسته شود و در استفاده از این بد ضروری به حداقل اکتفا کرد. کارکردهای گوناگون زندان موجب شده است که این مجازات به سرعت در همه نظام های حقوقی پذیرفته شود، به گونه ای که با وجود اشکالات جدی چشم پوشی از آن به راحتی امکان پذیر نیست. در وضعیت فعلی کشور ما، زندان به عنوان یکی از مؤلفه های مهم حقوق کیفری کارایی دارد و به راحتی نمی توان از آن چشم پوشی کرد. امروزه سلول های انفرادی، حبس با اعمال شاقه، کار اجباری و ... به تاریخ پیوسته است ولی نمی توان انکار کرد که سیستم زندان ها در حال حاضر، دارای نارسایی ها و ایرادات چندی است که ذهن بسیاری از متفکران، مسئولان و صاحب نظران را به خود مشغول ساخته است.



منابع و مراجع

- [۱] آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰
- [۲] آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه: دکتر محمد آشوری و علی نجفی ابرنآبادی، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵
- [۳] اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ یازدهم، نشر میزان، ۱۳۸۴
- [۴] بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه: دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸
- [۵] بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه: دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- [۶] پردال، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه: دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، با همکاری مؤسسه نشر یلدا، جلد اول، ۱۳۷۳
- [۷] پیکا، ژرژ، جرم شناسایی، ترجمه: دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، انتشارات مجد، ۱۳۸۶
- [۸] حسینی، مریم‌السادات، زندان و زندانی در ایران، فصلنامه گنجینه اسناد، دفترهای سوم و چهارم، سال اول
- [۹] دانش، تاج زمان، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸
- [۱۰] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد بیست و هفتم، تهران، چاپ سیروس
- [۱۱] ساکت، محمدحسین، نهاد دادرسی در اسلام، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۵
- [۱۲] سپهری، محمد، زندان از دیدگاه اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳
- [۱۳] شیخاوندی، داور، آسیب های اجتماعی، انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۰
- [۱۴] شمس، علی، مقدمه ای بر جامعه شناسی زندان، چاپ چهارم، ۱۳۸۷
- [۱۵] شیرازی، محمد، الحکم فی السلام، دارالقرآن
- [۱۶] صاعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲
- [۱۷] صفاری، علی، کیفرشناسی و توجیه کیفر، علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست اندرکاران مبارز با مواد مخدر در ایران)، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴
- [۱۸] عبدی، عباس، آسیب شناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران، مؤسسه تحقیقات و انتشارات نور، ۱۳۷۱
- [۱۹] عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲
- [۲۰] غلامی، حسین، بررسی حقوق و جرم شناسی تکرار جرم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۲
- [۲۱] فیروزآبادی، مجدالدین، لغت نامه عربی به عربی قاموس، محیط، جلد دوم، چاپ چهارم، دارالمأمون، ۱۹۳۸ م
- [۲۲] قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۴
- [۲۳] قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲
- [۲۴] گاستون، استفانی و دیگران، حقوق جزای عمومی، ترجمه: حسن دادبان، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷
- [۲۵] گرمارودی، هما، مکتب نئوکلاسیک نوین و احیاء و رویکرد سزادهی، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۲، تابستان ۸۴
- [۲۶] لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف علوم اسلام، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۳
- [۲۷] منتظری، آیت‌الله حسینعلی، مبانی فقهی و حکومت اسلامی (دراسات فی ولایت الفقیه و فقه دوله الاسلامیه): احکام و آداب اداره زندان‌ها و استخبارات، ترجمه: ابوالفضل شکوری، جلد چهارم، چاپ اول، نشر تفکر، ۱۳۷۱
- [۲۸] میرمحمدی، ابوالفضل، زندان و زندانی در اسلام، ترجمه: ناصر باقی بیدضیدی، قم، انتشارات محمد، ۱۳۶۸
- [۲۹] منشاوی، عبدالامیر، زندان به روایت تاریخ، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۷
- [۳۰] نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ هفدهم، ۱۳۸۵
- [۳۱] نوروزی، محمدرضا، از اندیشه های حقوق مدار تا اندیشه های الغاء گرایانه در شمس، حقوق زندانیان (دیباجه)، انتشارات راه تربیت، چاپ دوم، ۱۳۸۲
- [۳۲] وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ترجمه: محمدحسن بکائی، چاپ دوم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴